

کارن آرمسترانگ

محمد (ص)

زندگی نامه پیامبر اسلام

کیانوش حشمتی



انتشارات حکمت

تهران، ۱۳۹۵

این کتاب ترجمه‌ای است از:
Muhammad: A Biography of the Prophet,
Karen Armstrong,
1991

آرمسترانگ، کارن، ۱۹۴۴ - م.

Karen Armstrong

محمد(ص)، زندگی‌نامه پیامبر اسلام

نویسنده: کارن آرمسترانگ؛ ترجمه: کیانوش حشمتی

تهران، حکمت، ۱۳۸۶

۴۳۱ ص

شابک: 1-09-8713-964-978

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا

عنوان اصلی: Muhammad: A Biography of the Prophet

۱. محمد(ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق. سرگذشتنامه.

حشمتی، کیانوش، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۹۱۳۸۶ ز ۹۳۷/۲۲/۹ BP

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۹۳

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۱۳۲۲۸۱۴



انتشارات حکمت

تهران، خیابان انقلاب، پلاک ۱۰، پانزدهم، شماره ۹۴، کدپستی ۱۳۱۵۶۹۴۱۶۴

تلفن: ۰۲۱۶۱۲۹۲ / ۰۲۱۶۴۱۵۸۷۹ / ۰۲۱۶۴۰۶۵۰۵ / ۰۲۱۶۶۹۵۰۰۰۷

سامانه پیام کوتاه: ۰۲۱۶۶۹۵۰۰۰۰۷

www.hakmat-ins.com

info@hakmat-ins.com

محمد (ص): زندگی و پیامبر اسلام

نویسنده: کارن آرمسترانگ

ترجمه: کیانوش حشمتی

ویراسته بخش ویرایش حکمت

چاپ چهارم: ۱۳۹۵/ش/۱۴۳۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۷۱۳-۰۹-۱

حروفچینی و صفحه‌آرایی: مؤسسه فرهنگی هنری حکمت

چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر کیمیای حضور

(کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است)

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه (از قبیل چاپ، فتوکپی،

الکترونیکی، صوت و تصویر) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

فهرست

۷	یادداشت هشتم
۹	مقدمه‌ی متبعم
۱۱	مقدمه نریسنده
۲۳	فصل اول: محمد، دشم
۶۱	یادداشت‌های فصل اول
۶۳	فصل دوم: محمد، سازم
۷۷	فصل سوم: جاهلیت
۱۰۱	یادداشت‌های فصل سوم
۱۰۳	فصل چهارم: وحی
۱۳۱	یادداشت‌های فصل چهارم
۱۳۳	فصل پنجم: بشارت‌دهنده
۱۵۹	یادداشت‌های فصل پنجم
۱۶۱	فصل ششم: آیه‌های شیطانی
۱۹۹	یادداشت‌های فصل ششم
۲۰۱	فصل هفتم: هجرت: راه جدید
۲۴۵	یادداشت‌های فصل هفتم
۲۴۹	فصل هشتم: جنگ مقدس
۳۲۵	یادداشت‌های فصل هشتم
۳۲۹	فصل نهم: صلح مقدس
۳۸۹	یادداشت‌های فصل نهم
۳۹۳	فصل دهم: وفات پیامبر
۴۲۰	یادداشت‌های فصل دهم

مقدمه‌ی مترجم

در زمان اشعار کتاب آیات شیطانی، با وجود عکس‌العمل‌های شدید و به موقع مسلمانان در تقبیح مضمون آن، این نکته مرا به شدت می‌آزرد که چگونه اندیشمندان محققان مسلمان نخواستند یا نتوانسته‌اند کتابی به زبان انگلیسی و از وادیات زندگی رسول گرامی اسلام (ص) منتشر ساخته و بدان وسیله ذهن توده مردم غرب را نسبت به اهداف و تلاش‌های محمد (ص) در براندازی ظلم و جور و غارت از میان اعراب و ایجاد وحدت و امنیت و صلح در شبه‌جزیره عربستان نه‌تنها آلوده و بشر، روشن سازند.

هنگامی که پسرم برای نخستین بار این کتاب را به من هدیه نمود از خواندن آن شوق عجیبی در خود احساس نمودم. دریافتم که خداوند رحمان به دست یک غیرمسلمان تحقق آنچه را که در ذهن من می‌گذشت برنامه‌ریزی نموده و پس از حادثه‌ی یازده سپتامبر در این کتاب پرفروش‌ترین کتاب‌های سال آمریکا و اروپا درآورده است.

به خصوص آن‌که نویسنده محترم در فصل اول، به روش‌های ریشه‌های کدورت و ضدیت دنیای غرب (مسیحیت) را با جهان اسلام از قرن دهم به بعد مورد تجزیه و تحلیل قرار داده، و در فصل ششم نیز داستان آیه‌ی شیطانی را که صحت آن مورد تردید است بازگو می‌نماید.

این رخداد بار دیگر اثبات می‌نمود که خدا محوری و حق‌گویی همواره چون گوهری ناب و درخشان است که هیچ‌گونه غباری از باطل آن را کدر و کم‌اثر ننموده و با نسیمی ملایم حقیقت وجودی آن بر همه آشکار می‌گردد. کار ترجمه کتاب، تصحیح ادبی و تطبیق گفتار آن با متون اسلامی

شیعه، برای ادای توضیحات لازم، در حدود دو سال به طول انجامید. حال که آن را آماده چاپ می‌بینم از خدای متعال مسئلت دارم که اثری دلنشین و گیرا برای مطالعه و تحلیل هم‌وطنان، به خصوص نسل جوان، باشد؛ نسلی که احساس می‌کنم نیاز به مطالعه و تحلیل تاریخ دینی و سیاسی به گونه‌ای روزافزون در او شدت می‌گیرد و جا دارد در این زمینه نویسندگان، محققان و ترجمان هر چه بیشتر در برآوردن این نیاز کوشا باشند.

همان‌گونه که نویسنده خود شرح می‌دهد، در تدوین این کتاب از منابع چهار ریحانه بزرگ اسلامی استفاده نموده. اگرچه با توجه به سابقه زندگی من که نسبتاً راه تحقیق علمی را در شناخت ادیان انتخاب نموده، و همچنین از این کتاب، به طرفی او را در اظهار تاریخ می‌توان درک نمود، ولی بدون شرح مطالعات دوناگونی نیز در کتاب یافت می‌شود که با باورهای شیعیان در تضاد است. آری که در جمع‌بندی کتاب به آن می‌رسیم، دفاعیه‌ای است پرافتخار از زندگی و تلاش‌های پیامبر گرامی اسلام در انجام مأموریت الهی وی.

در خاتمه، از آقای دکتر حسین غفاری، استاد و راهنمای این جانب در ترجمه، تدوین و انتشار کتاب؛ جناب عبدالاسلام حاج شیخ عبدالله حقیقت، که زحمت تطبیق کتاب با متون اصلی شیعه را به عهده گرفتند و زیرنویس‌های فارسی از ایشان است؛ جناب آقای مه‌سرسر کیانی، و جناب آقای مجید حمیدزاده که ویراستاری ادبی و فنی ترجمه را به انجام رسانیدند نهایت تشکر و سپاسگذاری خود را تقدیم می‌دارم. همچنین از سرکار خانم صابری، که در کار تایپ و تصحیح و بازنویسی با صبر و متانت مرا یاری نمودند؛ دوست گرامی جناب آقای مقدم، که زحمت طراحی پشت جلد را خالصانه به عهده گرفتند؛ و نهایتاً همسر و فرزندانم که مشوقین اصلی من در این راه بودند؛ مراتب اخلاص و سپاس خود را اعلام می‌دارم.

کیانوش حشمتی

تهران / اسفند ماه ۱۳۸۲ شمسی

ماه محرم ۱۴۲۵ قمری / ماه مارس ۲۰۰۴ میلادی

مقدمه نویسنده

من این زندگی نامه محمد(ص) را ۱۰ سال پیش در اوج درگیری غرب با داستان سلمان رشدی و شتم. مدت مدیدی بود که نحوه برخورد و تعصبات شدیدی که حتم در اجراء و مدارا پذیرترین و گروه های فکری بر ضد اسلام ابراز می شد فکر مرا مشغول کرده بود. به نظرم می رسید که اتفاقات وحشتناک قرن بیستم در ایرانسته از توسعه نگرش انحرافی و نادرست علیه دینی که حدود یک میلیارد و دویست میلیون نفر یک پنجم جمعیت دنیا از آن پیروی می کنند جا بگیرد. و با صدور فتوای معروف آیت الله خمینی علیه سلمان رشدی و انتشاردهندگان کتابش این تعصب غربی خشن تر گردید.

در سال ۱۹۹۰، هنگامی که مشغول نوشتن این کتاب بودم، هیچ کسی در انگلستان دوست نداشت که بشنود حدود یک ماه پس از فتوای ایشان، در یک کنگره اسلامی، با حضور ۴۵ نفر از نمایندگان گروه های مختلف اسلامی، ۴۴ نفر حکم ایشان را غیراسلامی دانسته و ایران را ارتداد مطلق رها کردند. تعداد کمی از مردم غرب علاقمند بودند که بدانند که شیوخ عربستان و علمای الأزهر (معروف ترین مدرسه اسلامی) نیز این حکم را با عقاید اسلامی مخالف دانسته اند. در این میان، گروه های بسیار کمی با مسلمانان انگلستان اظهار همدردی می نمودند. مسلمانانی که خود را از آیت الله جدا کرده، و اگرچه قتل سلمان رشدی را نمی خواستند، شدیداً از

این‌که پیامبر آنها در این داستان به صورت فردی مرتد و ضد دین معرفی شده است احساس حقارت و توهین می‌کردند. سازمان‌های خبری غرب چنان وانمود می‌کردند که گویی تمامی دنیای اسلام تشنه به خون سلمان رشدی است. نویسندگان و متفکران انگلیس نیز از فرصت استفاده نموده جهره‌هایی غیرواقعی و گاه وحشتناک از اسلام معرفی می‌نمودند. از نظر آن، اسلام ذاتاً دینی مداراناپذیر و متعصب بوده و حساسیت مسلمانان در مورد سبای پیامبر عزیزشان در کتاب سلمان رشدی نیز امری بی‌مورد و غیرطبیعی است.

من این کتاب را به این خاطر نوشتم که، در واقع، افسوس می‌خورم که سیمای محمد (ص) برای مردم غرب فقط تصویری باشد که کتاب رشدی ارائه می‌دهد. حتی اگر سی‌فهم‌دم که هدف رشدی از این داستان چه بوده است، باز هم بیان حقایق مربوط به سیمای واقعی محمد (ص) برایم بسیار مهم می‌بود، زیرا محمد (ص) را یکی از سواد تاریخ بشریت یافته بودم. برای من بسیار مشکل بود که ناشری برای این کتاب بیابم؛ زیرا، به محض طرح موضوع، این‌گونه تصور می‌کردند که انتشار این کتاب مسلمانان به خشم آمده و سؤال می‌کنند که زن بی‌مذهبی چرن می‌چگونه به خود جرأت صحبت کردن در مورد پیامبر اسلام را داده است. و من نیز چون رشدی می‌بایستی در اختفا به سر برم. برخلاف تصور، این حرکت من مورد استقبال مسلمانان روشنفکری قرار گرفت که کتاب را در اختیارشان قرار دادم. به علاوه، مسلمانان و اسلام‌شناسان جدی جزو اولین کسانی بودند که بر این باور قرار گرفتند که من بیش از یک راهبه جداسده از دیری هستم، که قصد ایجاد زحمت دارد. در طی ۱۰ سال بعد، اسلام‌ستیزی مردمان غرب رو به سردی گذارد و اگر چه هر از گاهی جرقه‌هایی شعله‌ور می‌گشت ولی به نظر می‌رسید که مردم علاقه بیشتری برای تشکیک در داستان رشدی نشان می‌دهند.

ناگهان در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ دنیا در بهت فرو رفت. با انفجار ساختمان‌های دو قلوئی مرکز تجارت جهانی و یک قسمت از مرکز دفاع آمریکا به وسیله چند مسلمان افراطی و کشته شدن بیش از پنج هزار نفر، مجدداً تمامی دنیا متوجه اسلام و مسلمانان گردید. این حادثه سند تعصبی بودن اسلام بود و بدینی آنان نسبت به دین محمد(ص)، و این که اسلام دین ترور، قتل و وحشت است، را مجدداً برانگیخت. اکنون این مقدمه را مجدداً یک ماه پس از حمله ۱۱ سپتامبر می‌نویسم. اکنون زمان بسیار حساسی است. این ایده که اسلام تمایل طبیعی به خشونت دارد هنوز زنده است. اکثر منتقدین اسلام بیشتر به آیه‌هایی از قرآن اتکا می‌کنند که در آنها به جنگ و انتقام‌گیری توجه گردیده می‌تواند به راحتی روحیه افراطی‌گرایی را در خواننده خود تقویت نماید. آنها، اغلب این را نادیده می‌گیرند که در کتاب‌های مسیح و موسی (عالم‌السلام) نیز می‌توان عباراتی حاکی از همین خشونت را پیدا کرد. در تورات، سر ام‌اسرائیل بارها به خراب کردن نمادهای مذهبی قوم کنعان^۱ و بیرون راندن آنان از سرزمین مقدس و عدم انعقاد هرگونه پیمان‌نامه‌ای با آنان توصیه شده‌اند. گروه به خصوصی از افراطیون یهودی همین آیه‌ها را برای بیرون راندن فلسطینی‌ها از سرزمین‌هایشان و مخالفت با طرح صلح خاورمیانه به کار می‌برند. تقریباً همه کسانی که یهودیت را می‌شناسند می‌دانند که استفاده از این آیات، و تفسیر آنها بر این معانی، کاری غیر اصولی است. اگرچه مسیح همیشه چهره‌ای صلح‌طلب معرفی شده است، اما در انجیل نیز آیه‌هایی به کار می‌رود وجود دارد که به تهاجم و نبرد تشویق می‌کند. حتی در یک مورد مسیح می‌گوید: من نه برای صلح بلکه برای ستیز آمده‌ام. ولی هیچ‌کس این آیه‌ها را در کشتار هشت هزار مسلمان بوستنیایی به دست مسیحیان صربستان مورد استفاده قرار نداد. در آن زمان هیچ‌کس مسیحیت را ذاتاً خطرناک و

متجاوزگر قلمداد نمود. زیرا اطلاعات مردم به قدری در مورد این دین بالا بود که هیچ‌کس اجازه چنین ادعایی را به خود نمی‌داد. بیشتر مردم غرب آن‌چنان از اسلام بی‌اطلاع هستند که به هیچ‌وجه نمی‌توانند در داوری‌های خود نظری منطقی و صحیح ابراز نمایند.

با این وجود، در این روزهای تاریک، اگرچه تلاش برای ادراک اسلام و غرب محکوم به شکست است گاهی نیز جرقه‌هایی از امید و خوش‌باوری نیز درخشیده است. برای مثال، اظهارنظرهای رییس جمهور آمریکا و نخست‌وزیر انگلستان در مورد جدا بودن راه اسلام از افراطیون تروریست نمونه‌ای از این نظریات می‌باشد. آنها با حضور در مساجد مسلمانان و بزرگ شمردن انقادات و سنت‌های مسلمانان آنان را مطمئن ساختند که حمله به افغانستان به هیچ‌وجه حمله به دنیای اسلام نبوده و آنان از صلح‌طلبی دین اسلام راضی‌تر می‌باشند. این اظهارنظرها در حالی صورت گرفت که ۱۰ سال قبل زمان سلمان رشدی هیچ سیاست‌مداری حاضر به طرح چنین مسأله‌ای نبود.

دیگر اکثریت مردم بی‌برده‌اند که نمی‌توانند نسبت به مسائل دنیای اسلام و داشتن اطلاعات و فهم بیشتر از این دین بی‌تفاوت باشند. فروش قرآن و کتاب‌های مربوط به اسلام، از جمله چند کتاب خود من در آمریکا و اروپا، سرسام‌آور بالا رفت، در حالی که در ۱۲ سال پیش تعداد کمی از مردم چنین احساسی داشتند. اکنون اکثر مردم اشتیاق فوق‌العاده‌ای نسبت به داشتن اطلاعات در مورد قرآن، محمد(ص) و اسلام از خود نشان می‌دهند. درست است که اتفاقات ناگواری در عکس‌العمل به حادثه ۱۱ سپتامبر در کشورهای غربی رخ داد: کشته شدن یک سیک هندی، یک مسیحی قطبی، کشته شدن چندین نفر از شهروندان خاورمیانه‌ای، مضروب کردن یک راننده افغانی - که چون در گروه طالبان خدمت می‌کرد آن‌چنان‌که از گردن به پایین فلج گردید - اما زنان باحجاب برای بیرون رفتن از منزل نگران بودند،

مساجد مورد حمله قرار گرفت؛ لیکن نگرانی عمیقی درباره‌ی این حوادث وحشتناک و اراده‌ای برای پایان دادن به این عکس‌العمل‌ها وجود داشت. من همه این مسائل را مثبت می‌دیدم، زیرا بر این باورم که از این حمله وحشیانه تروریستی می‌توان به نتیجه‌گیری مثبت و درستی جهت بارور کردن افکار مردم غرب نسبت به اسلام رسید.

برای من بسیار دردناک بود که تروریست‌ها خود را پیرو صدیق محمد (ص) دانسته و باور داشتند که یا در جای پای او می‌گذارند. اسامه بن لادن، معاون اصلی، در حقیقت دنبال رو ایدئولوژی بنیادگرای سید قطب، اصول‌گرای متعصب صری است که در سال ۱۹۶۶ به وسیله‌ی جمال عبدالناصر محکوم به مرگ شد، وی معتقد بود که زندگی محمد (ص) بر اساس اصول وحی الهیه از طرف خداوند به او نازل و در جهت قبول دستورات فطری وجود (خدا) برای تنظیم جامعه‌ای انسانی، برنامه‌ریزی گردیده بود محمد (ص) برای ناودی‌هاست، مسأله‌ای که معنای ادبی آن در غرب برابر با بربریت و نادانی است، اما بنا بر روایت سید قطب، هر عصری جاهلیت زمان خود را داراست، و وظیفه مسلمانان است تا برای نابودی آن از دامن اسلام و بشریت جهاد نمایند. براساس همین نظریه، ابتدا مسلمانان بایستی پیش‌قراوانی برای این جهاد تدارک بینند همان‌گونه که محمد (ص) و یارانش در اولین دعوت‌ها در مکه پیش‌قراوان شدند، نهایتاً مسلمانان بایستی با تشکیل جامعه‌ای دور از جاهلیت خود را برای مبارزات بعدی آماده نمایند و سپس این مبارزات می‌بایستی تا پیروزی نهایی برای جهانی شدن اسلام ادامه یابد. همان‌گونه که محمد (ص)، با فتح مکه در سال ۶۳۰، به این خواسته دست یافت و کلیه عربستان را زیر پرچم اسلام درآورد.

بن لادن، دقیقاً این ایدئولوژی را باور داشت. اظهارنظرهای او در هفته‌های بعد از حمله ۱۱ سپتامبر و نشان دادن اردوگاه‌های پیش‌قراوان

جهاد همگی نشان‌دهنده‌ی این نظریه بود که او خود را برای جهاد آماده می‌سازد. هوایماریان هنگام سوارشدن به هواپیمای محکوم به فنا، محمد را در نظر داشتند. بر اساس آنچه در چمدان‌های ربایندگان به دست آمده، به آنها گفته شده بود که (خوش‌بین باشید)، آنها هم حتماً بر این باور بودند که به روش محمد (ص) کارها را خوش‌بینانه دنبال می‌نمایند، زیرا پیامبر همیشه خوش‌بین بود.

بسیار بعید به نظر می‌رسد که محمد (ص) نظریه خوش‌بینانه‌ای در مورد این قتل عام‌ها و وحشیانه داشته باشد، زیرا، همان‌گونه که در صفحات بعد مشخص خواهد شد، بیشتر تلاش او صرف جلوگیری از چنین برخوردهای وحشیانه‌ای بود. لغت «اسلام» که به معنای تسلیم بودن در برابر خداوند است از ریشه «سالم» به معنای «صلح» گرفته شده است و روش عملی او در پیشبرد اهداف بیش به روش صلح‌طلبانه گاندهی شباهت دارد. در تفسیر این موضوع که جهاد در نظر محمد (ص) صرفاً وسیله‌ای برای ارتقا درجه پیامبری او بوده، حقیقت زندگی ایشان توسط اصول‌گرایان منحرف گردیده و به زیر سؤال رفته است. محمد (ص) مسلماً بهای خود را برای صلح‌طلب واقعی هم بود. زیرا او حیات خویش و وفاتی نزدیک‌ترین یاران خود را در جریان صلح مکه به خطر انداخت، تا این اتحاد با خون‌ریزی به انجام رسد. او، به جای خون‌ریزی و قتل عام، پیوسته در سفر مذهب صلح بود؛ این معنا را در سوره‌ی «فتح» به خوبی می‌توان دریافت نه فتح مکه را بدون خون‌ریزی پیروزی بزرگ می‌نامد.

ما به داستان واقعی زندگی محمد (ص) در این مقطع خطرناک نیازمندیم. ما نایستی اجازه دهیم که متعصبین خیره‌سر اسلامی با تحریف زندگی پیامبر به نفع خود از آن استفاده کنند.

به علاوه مسائل بسیاری هست که ما می‌توانیم از زندگی محمد (ص) بیاموزیم، این‌که چگونه باید در این دنیای کاملاً متغیر رفتار کرد. محمد (ص)

زمانی که مأموریت خود را آغاز نمود هیچ گونه برنامه مدوّن و از پیش تنظیم شده‌ای نداشت، چنین برنامه‌ای می‌بایست بر اساس رسوم جاهلیت، که در حمله، دفاع، قتل و انتقام‌گیری خلاصه می‌شد، تنظیم می‌گردید و حال آن‌که او خود قصد حذف آنها را داشت. او، به جای اتکا به یک برنامه از پیش تنظیم شده، به حوادث اجازه خودنمایی داد، و باحوصله، دقت و هوشیاری هرکدام را تجزیه و تحلیل نمود و بسیار فراتر از مردمان زمان خود به آنها پاسخ مناسب داد. بنابراین، او توانست عربستان پاره پاره شده را متحد سازد، مسأله‌ای که در آن زمان برای بسیاری غیرقابل باور و غیرقابل ترک رد. ما نیز باید پس از حادثه ۱۱ سپتامبر به باورهای اصولی جدیدی برسیم. ما می‌توانیم بفهمیم که دیگر نمی‌توانیم، برای مثال، با اسلحه و ایدئولوژی جنگ سرد برخورد کنیم. ما به راه‌حل‌های جدیدی برای برخورد با چنین حوادث بی‌سابقه‌ای، نیازمندیم که بیشتر آنها را می‌توانیم از روش‌های عقلانی (غیراحساسی) خود پیاپی و زیم. تمامی طول زندگی محمد(ص) نشان می‌دهد که ما در مرحله‌ی اول باید به خودخواهی، نفرت و نادیده گرفتن عقاید دیگران را از خود دور نماییم. بدین وسیله خواهیم توانست دنیایی مطمئن و استوار برای زندگانی همان‌نگ مردمان در کنار هم بسازیم، دنیایی که بشریت بتواند به راحتی و به دور از هرگونه تنگ و ستم و نابرابری در آن زندگی کند.

در غرب ما هیچ‌گاه موفق به رویارویی با اسلام نبوده‌ایم. ما در مورد این دین، کوچک‌انگارانه و خودبینانه بوده، اما حال آموخته‌ایم که ما نمی‌توانیم در چنین عاداتی از نادانی و تعصب باقی بمانیم.

در آخر این زندگی‌نامه، نظریه محقق کانادایی ویلفرد کانتول اسمیت^۱ را آورده‌ام، که نوشته‌های او همیشه مایه الهام من بوده است. او در سال ۱۹۵۶

چنین نوشت: غرب و دنیای اسلامی نمی‌بایستی به سادگی از وقایع قرن بیستم بگذرند. مسلمانان بایستی قبول نمایند که پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک غرب واقعی است غیرقابل انکار که در نتیجه تلاش و کوشش آنان به دست آمده است و غربیان نیز بایستی بفهمند که آنها نمی‌توانند در یک جهان طبقه‌بندی شده به زندگی ادامه دهند و بایستی برابری و مساوات را بپذیرند. تا زمانی که تمدن غرب و اصول مسیحیت به این نتیجه نرسند که بایستی با سایرین نیز هماهنگی با اصول عقاید آنان برخورد نمود این دو (غرب و اسلام) به نتیجه مشترکی در مورد حقایق قرن بیستم نخواهند رسید. حادثه ۱۱ سپتامبر نشان داد که هم غرب و هم دنیای اسلام متأسفانه در رسیدن به این اشتراک فکری شکست خورده‌اند. اگر غرب بخواهد در قرن بیست و یکم بهتر عمل نماید، می‌بایستی سایر مسلمانانی را که در کره‌ی خاکی با آنان شریک هستند، درک نمایند. می‌بایستی عقاید، احساسات و روش‌های زندگی آنان را به‌دقت بشناسند و با آنها هماهنگ گردند. و بهترین راه برای این شناخت آشنایی با روش زندگی پیامبر اسلام است، که نبوغ و عقل خارق‌العاده ایشان می‌تواند روشنايي نفس این روزهای تاریک باشد.